

آیا جورج بوش واقعاً آقای جهان ماست؟؟

دو سال قبل در ماه نوامبر جورج بوش برای بار دوم به حیث رییس جمهور امریکا انتخاب گردید. اگر یک نگاه مختصری در این دو دوره (ریاست جمهوری امپراطور مآبانه) جمهوری جورج بوش بیاندازیم، به این نتیجه میرسیم که: جورج بوش و هم پیمانان وی با همه تلاش های اقتصادی و نظامی علاوه از اینکه موفق نگردیدند تا در کشور های تحت اشغال شان مانند عراق و افغانستان دموکراسی صادر شده را تحقق بخشند بلکه اوضاع منطقه و جهان را متشنج تر ساختند دیده میشود که در یوگسلاویای وقت، عراق، افغانستان، لبنان و شرقمیانه و هیچ یکی دیگر از کشورهای جهان که، امریکا تحت نام به اصطلاح دموکراسی لشکر کشی نموده است، اثری از آرامش و بهبود در زنده گی مردم به مشاهده نرسیده، برخلاف کشت و کشتار، مشکلات اقتصادی، گرسنگی و عدم موجودیت امنیت در تمام عرصه های زنده گی، روز به روز افزایش یافته است.

بنا به گفته « جورج بوش » حمله اسرائیل به لبنان آغازگر سومین جبهه نبرد علیه تروریسم بود. (افغانستان اولی، عراق دومی و لبنان سومی).

قرار احصایه های رسمی یی که به نشر رسیده (با وجود اینکه واقعیت را کتمان مینمایند) از سال ۲۰۰۳ بدینطرف (زمان حاکمیت امریکا و هم پیمانانش درعراق) به تعداد ۶۵۵۰۰۰ عراقی و ۳۰۰۰ سرباز کشورهای ناتو (از جمله ۲۸۰۰ سرباز امریکایی نظر به گذارشات خود شان!) در عراق کشته شده اند. کشتار مردم بیگناه با بمباردمان تحت نام مناطق مشکوک، ایجاد زندانهای خود ساخته قوت های خارجی، تجاوز جنسی بالای باشندگان و زندانیان تحت نظر قوت های

نظامی خارجی به سردمداری امریکا تحت نام مبارزه علیه تروریسم گسترش پیدا کرده اما به مؤفقیتی نایل نگردیده اند.

زیر شعار جنگ علیه تروریسم!! با جنگ، کشتار و ترور غیر قابل وصف اهالی بیگناه و بیدفاع هموطن ما، راهی کشور مظلوم و زخمی ما افغانستان عزیز گردیدند و دست به تشکیل و استقرار اداره و حکومت تحت الحمايه و دست نشانده خویش در کابل یازید.

حمله و اشغال افغانستان، عراق، تهدیدات علیه ایران و سوریه، تخریب و نابودی کامل زیر ساخت های کشوری کوچک و بیدفاعی چون لبنان توسط طیارات اسرائیل و یا ظلم و ستم طاقت فرسا بر ملت مظلوم فلسطین و سایر کشورها، هرگز کدام امر و اتفاق تصادفی نبوده بلکه اینها همه بخشی از یک برنامه وسیع و گسترده بین المللی تجاوزگران و مداخله گران امروزی میباشد.

اگر از اعمال جنایتکارانه و ضد انسانی قوت های نظامی در زندانهای ابوغریب عراق و گوانتانامو!! چشم پوشی نمایم آیا این است پیام دموکراسی و مبارزه علیه تروریسمی که آقای بوش و دار و دسته حاکم در امریکا در نظر دارند؟

فلسفه «دکترین بوش» جز زور و زورگویی نمی تواند به چیز دیگری تعبیر شود. او می خواهد اراده اش را بر دنیا تحمیل کند، حتی با بکار بردن نیروی مسلح. موضوع حمله پیشگیرانه، پیش از آن که به یک جنگ سرد دیگر منتهی نشده، باید از قاموس «امنیت ملی» امریکا خارج شود.

«چارلز لویس» رییس «مرکز امانتداری عمومی Public Integrity» که یک سازمان داوطلب برای برقراری دولت امریکاست بتاريخ ۳۰ اکتبر فاش کرد که: شرکتهایی که قرارداد بازسازی عراق و افغانستان را به مبلغ هشت میلیارد دالر با دولت امریکا امضاء کرده اند بالاترین کمک دهنده گان به مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۰ جورج بوش بوده و رابطه تنگاتنگ با مقامات نظامی و کشوری امریکا دارند. به این شرکتها از جمله کمپانی مربوط به «دیگ چنی» معاون بوش، انجامده کار،

بدون برگذاری مناقصه واگذار شده است و بهانه حذف مناقصه «فوریت کارها» اعلام شده است.

جان کری نامزد حزب دمکرات برای احراز مقام ریاست جمهوری امریکا در این باره گفته است که طبق تحقیقات اف بی آی و اظهارات خانم (گرین هاوس) محقق اداره قرارداد های قوت های نظامی امریکا در بخش مهندسی، کمپانی هالیبرتون که دیک چنی مدیر قبلی آن بود و از آنجا مزایا می گیرد از طریق شعبه خود « کلاگ براون اند روت » با ترک مناقصه (شرکت ندادن کمپانی های دیگر و جلوگیری از ایجاد رقابت میان آنها به منظور پایین آوردن مبلغ) تعمیر لوله های نفت عراق و زمان مربوط را به مدت پنج سال و به مبلغ هفت میلیارد دالر برعهده گرفته بود . پس از ماهها، چون بستن قرارداد بیش از یک سال به طریق ترک مناقصه خلاف قانون بوده، هالیبرتون با کاهش حجم مقاطعه به ۲ میلیارد و چهارصد میلیون دالر امریکایی موافقت کرده است. جان کری ضمن طرح این موضوع در اجتماع هشتاد هزار نفری شهر مدیسون ایالت ویسکانسین خطاب به رای دهندگان، پرسید: آیا می خواهید باز هم این افراد را به کاخ سفید بفرستید؟

چنانچه نیویارک تایمز مینویسد: «اکتبر ۲۰۰۴ مبارزات انتخاباتی امریکا وسیعاً تحت تاثیر خبر به سرقت رفتن ۳۸۰ تن مواد منفجره از یک انبار نظامی قوت های سابق عراق در منطقه یوسفیه (۴۵ کیلومتری جنوب بغداد) در سه روز اول پس از سقوط حکومت صدام حسین قرار گرفته بود.»

سوال طرح میگردد که (چرا دو رسانه امریکایی: شبکه سی. بی. اس. و روزنامه نیویورک تایمز) این خبر را پس از ۱۸ ماه فاش کردند ، چرا دولت قبلاً مردم را در جریان قرار نداده بود. هیات سازمان ملل که وظیفه تحقیق در این مورد را داشتند، گفته اند: که این مواد بسیار خطرناک و نیرومند از نوع « اج ام ایکس » ، « آر دی ایکس » و « پی ای تی ان » بوده و موضوع را به دولت امریکا نیز خبر داده بودند، پیش از آغاز حمله امریکا به عراق انبار ها را قفل نموده و تا یک روز قبل از حمله قوت های امریکایی بالای خاک عراق در عراق بودند، که تا آن زمان انبارها دست

نخورده باقی مانده بود!! جان کری نامزد حزب دمکرات برای بدست آوردن مقام ریاست جمهوری امریکا (انتخابات عمومی دوم نوامبر سال ۲۰۰۴) در نطقهای ۲۶ اکتبر خود، سرقت این مواد را که در جریان غارت مؤسسات دولتی در چند روز اول فروپاشی دولت عراق صورت گرفت يك ضعف دولت بوش وانمود کرده و اضافه کرده است که اگر این دولت نگران جان امریکاییان میبود حد اقل موضوع سرقت مواد منفجره را اعلام می داشت تا همه بدانند و مراقب جان خود باشند. و میتواند همین مواد به دست تروریستهای بین المللی بیافتد. چرا دولت به اخطار هیات تسلیحاتی سازمان ملل توجه نکرد و هنگام پیشروی به سوی بغداد، نخست این انبار را تحت کنترل نگرفت. وی سپس سؤال می کند: آیا این است معنای فرمانده کل نیروهای مسلح بودن؟. آیا می توانید حدس بزنید که از این مواد چقدر بمب ساخته اند که در عراده جات جاسازی می شود؟. همین بمب های که در عراده جات جا بجا میشود ، باعث مرگ و جرح سربازان ما می شود. جان ادواردز نامزد معاونیت جان کری نیز در نطقی گفته است: این بی توجهی، دفاع ندارد. چرا بزرگترین انبار اسلحه عراق بدون مراقبت رها شده بود؟. در همین راستا، خانم آلبرایت وزیر امور خارجه کابینه کلینتون نیز گفت: ما نمی دانیم که تا چه وقت باید بهای سهل انگاری های این دولت (دولت بوش) را پردازیم.

«جورج بوش در آخرین پیام خویش قبل از آغاز ساعت رای دادن در سال ۲۰۰۴ خطاب به امریکاییان گفت که: امنیت کشور و اقتدار و سربلندی آن را از یاد نبرند. رای اکثریت از آن فردی است که مردم به او اعتماد کنند. متوجه باشید که در عصر تروریسم زندگی می کنید». این بود کلماتی که جورج بوش با بر زبان آوردن آن مردم امریکا را فریب داد و تحت نام مبارزه علیه تروریسم و صدور دموکراسی به لشکرکشی آغاز کرد. «اما بتاريخ ۱۸ اکتوبر همین سال (چند روز قبل) در مصاحبه با پروگرام تلویزیونی (ان ، بی ، سی) اقرار کرد که : عراق ویتنام دیگری برای امریکا خواهد بود.»

رقیب او جان کری در آخرین پیام خود به امریکاییان در همان سال چنین گفته بود : امروز روز تصمیم شما مردم است. امروز شما هستید که قدرت دارید و این قدرت و

اختیار را به فردی که او را «بهتر» می‌پندارید تفویض می‌کنید. به کسی رای بدهید که بعداً از عمل خود پشیمان نشوید و اعتماد و امید را از دست ندهید. زیر ذره بین جهانیان هستیم. می‌خواهند ببینند که ما چگونه دموکراسی را تمرین می‌کنیم. می‌خواهند اسلوب و روش و علاقه مندی ما را به دموکراسی ببینند. امریکا باید به مسیر درست بازگردانده شود و در چنین مسیری هدایت گردد. باید جهان را بار دیگر به کنار امریکا آورد و احترام جهانیان را به آن بازگردانید.

در روز انتخابات که تبلیغات انتخاباتی مستقیم ممنوع بود طرفداران هر حزب برای جلب مردم به اقداماتی از رساندن رای دهندگان با موترهای خود به حوزه‌ها و تا دادن پیراهن با تصویر نامزد مربوط و شیرینی و چرب‌زبانی دست می‌زدند.

در این روز هم مراجعه به منازل و تلفن به رای دهندگان و تشویق آنان به رای دادن ادامه داشت. پیش‌بینی شده بود که برای این منظور هشت میلیون مراجعه حضوری به منازل و ۲۳ میلیون تماس تلفنی صورت گرفته است.

دوم نوامبر ۲۰۰۴ شبکه‌های تلویزیونی امریکا ضمن تشویق مردم به رای دادن خطاب به آنان می‌گفتند: یک رای هم موثر است. رای شما صدای شماست که شنیده خواهد شد.

حزب دمکرات برای دوباره شماری آراء ۲۳ میلیون دالر بودجه آماده کرده بود. یک حزب در صورت اسرار به دوباره شماری آراء، باید هزینه این کار را از جیب خود بپردازد.

آژانس فرانس پرس که در ششم اکتبر ۲۰۰۵ اعلام نمود: تلویزیون دولتی «بی بی سی» روزهای دهم، هفدهم و بیست و چهارم اکتبر سه برنامه مستند پخش خواهد کرد که به نقل از شاهدان، جورج بوش رییس جمهور جمهوری امریکا در جریان ملاقات ماه جون سال ۲۰۰۳ خود با محمود عباس رئیس دولت فلسطینی‌ها و در حضور «نبیل شعث» مقام فلسطینی دیگر خطاب به آنان گفته بود که در مورد لشکر کشی به افغانستان و عراق و ایجاد یک کشور فلسطینی، از جانب خدا وحی و

الهام دریافت کرده بود!! طبق این گزارش، جورج بوش به هیات فلسطینی گفته بود: خدا به من الهام کرد که به عراق و افغانستان لشکر کشی کنم و نیز از جانب خدا به من امر شده است که کشوری برای فلسطینی ها بسازم. بوش ادامه داده است: خداوند به من اشاره کرد که بروم و با تروریستها در افغانستان بجنگم و من این کار را کردم که امر خدا بود. همچنین به اشاره و اجازه خداوند بود که بروم و عراق را از شر دیکتاتوری رهایی بخشم و به خواست خدا از من، تا کشوری برای فلسطینی ها نسازم از پای نخواهم نشست.

جورج بوش در صحبتی که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد داشت، از سیاست دولت خود در خاورمیانه دفاع کرد و گفت که در این منطقه "تروریست ها" به حاشیه رانده می شوند و دموکراسی رشد می کند. (بلی آقای بوش، ما و جهانیان دیدم مثال آنها در عراق و افغانستان و مثلی داریم که میگویند: کاسه چینی که صدا میکند... خود صفت خویش ادا میکند).

در پاسخ بوش در مجمع عمومی سازمان ملل، هوگو چاویز رهبر ونزوئلا چنین اظهار کرد: "دیروز ابلیس از پشت این تریبون سخنرانی کرد و اینجا امروز هنوز بوی بد می دهد." روز قبل جورج بوش سخنرانی داشت. چاوز که نسخه ای از کتاب نوام چامسکی در انتقاد از ساختار سیاسی امریکا را در دست داشت، گفت که آقای بوش "دموکراسی دروغین برگزیده گان" و "دموکراسی بمب ها" را رشد داده است. وی اضافه کرد که: "آقای بوش چنان سخن می گوید که گویا ارباب جهان است."

به این نتیجه میرسیم که: در امریکا همه چیز مجاز بوده و بر ریاست جمهوری است که تصمیم بگیرد، رییس جمهور میتواند به میل خود جنگ براه اندازد و هیچ محدودیتی نمی تواند مانع حکم وی در اعمال جنایات جنگی گردد. انکار از آزادیهای فردی، تخلف از قرارداد های بین المللی در مورد شکنجه، نا دیده گرفتن حقوق برگزاری محاکمات در مقابل هیئت منصفه و محدودیت های قدرت رییس جمهوری در زمینه جنگ، همه و همه به صلاحیت رییس جمهور است!!

اما ما متقین هستیم که : هیچ کشوری و هیچ قدرتی با لشکر کشی و قتل هزاران هزار انسانهای بیگناه قادر به این نخواهد بود که ارباب جهان گردد و آواز نیروهای مترقی چپ را خفه سازد. نیرو های چپ و دموکراتیک هنوز زنده اند.

در این اواخر دولت امریکا یکبار دیگر تراژیدی ویتنام را برای بار دوم در عراق و افغانستان امتحان خواهد کرد و طعم ناگوار آنرا باز هم خواهد چشید.

www.ayenda.org